

پرواز ۷۵۲

اشتباه‌کردم

کیسو فغفور

● شاید شنبه ۲۱ دی‌ماه سیاه‌ترین روز برای برخی از روزنامه‌نگاران ایرانی باشد ازجمله من. یکی از تلخ‌ترین و غم‌بارترین روزهایی که با شومساری فراوان همراه است. نمی‌دانم چند نفر مانند من این حس را دارند و این لحظات را پشت‌سر می‌گذارند؛ حسی که می‌تواند مسیر حرفه‌ای را تغییر دهد و باعث بازنگری در آن شود. من به‌عنوان کسی که با تمام وجود آرزو داشتم‌این شلیک انجام نشده باشد و تمام مدت این چند روز دعا می‌کردم پدافند موشکی به هوایم‌ای اوکراینی شلیک نکرده باشد. شرمندهم. من به‌عنوان کسی که باورم نمی‌شد مسئولان توانسته باشند واقعیت را به دلایل مختلف پنهان کنند، هم شرمندهام هم عذرخواه. من یکی از روزنامه‌نگارانم. یکی از کسانی که درس خوانده‌ام، با نظریه‌های علمی روزنامه‌نگاری آشنا هستم، می‌دانم سیاستمداران چگونه می‌توانند از نظریه مارپیچ استفاده کنند. شرمسارم که احساس می‌کردم این اتفاق شدنی نیست و نمی‌تواند رخ دهد.

بهت و حیرتم از همان صبح آغاز شد، باورم نمی‌شد درحالی‌که اشک جلوی چشمم را گرفته بود، هرچه پنج شبکه تلویزیون را بالا و پایین می‌کردم، خبری از بیانیه نیروهای مسلح نبود؛ حتی بعدتر هم بیانیه رئیس‌جمهور روحانی اول در رسانه‌های فیلترشده توئیتر و تلگرام منتشر شد. مگر باورکردنی بود خبر به این مهمی را ستاد کل نیروهای مسلح در یک بیانیه اعلام کند و بعد رئیس‌جمهور بیانیه دهد و هیچ‌کدام در یک برنامه زنده تلویزیونی رو به مردم نباشد و مستقیم از مردم عذرخواهی نکند و هیچ‌کس استعفا ندهد و هنوز پخش سربالای‌های هانیکو و قسمت‌های ۱۳ تا ۱۸ زیر همکف ادامه داشته باشد؟ مگر ممکن بود که شبکه خبر پس از زرنویس‌کردن برنامه نداشته باشد و از کارآفرینان بگوید، درحالی‌که در رسانه‌های فارسی‌زبان آن طرف این سؤال مطرح باشد که «در ایران چرا شایعه قوی‌تر از خبر است؟». راستی چرا در اعلام این خبر هم جایی برای اهمیت به احساسات و عواطف مردم نبود؟

حداقل این بار انتظار می‌رفت که ماجرا فقط با یک بیانیه پایان نگیرد، راستی حالا روشن شده است که همه ما کسانی که سعی می‌کردیم حرف‌های مسئولان در این سه روز را باور کنیم، اشتباه کردیم. در لحظات قبل از بیانیه باورمان نشده بود که اعتمادمان می‌تواند «اعتماد مخدوش» باشد. آن‌قدر در شوک بزرگ قرار داشتیم که نتوانستیم به قدر کافی پرسشگر و چالشگر و منتقد باشیم. آری منِ روزنامه‌نگار اشتباه کردم.

حالا روشن شده که آنچه درباره سرنوشتی هوایم‌ای اوکراینی گفته می‌شده جنگ روانی نبود. هرچند سخنگوی دولت و مشاور امنیتی رئیس‌جمهور هنوز استعفا نداده‌اند و حتی عذرخواهی هم نکرده‌اند. الان باهم‌در عمق اندوه و در عمق ناامیدی آرزو دارم که کاش از این به بعد رفتار و گفتار مسئولان با راست‌گویی و خردمندی عجین شود. نه اینکه غایب باشند، نه اینکه پنهان شوند، نه اینکه با رسانه‌ها بازی شود. از صبح تاکنون بسیاری از رسانه‌ها، سربدبران و کانال‌های خبری از مردم عذرخواهی کرده‌اند که در این چند روز ابزاری برای اطلاع‌رسانی سخنان نادرست آنان بوده‌اند. ما هم، ما همه روزنامه‌نگارانی که تردیده‌ایمان را نادیده گرفته بودیم، با وجدان خود بطور روبه‌رو می‌نمیدیم؟ در تمام روزها و ساعت‌های پیشین که می‌گفتم ایران ما به رسانه‌های مستقل احتیاج دارد، هراس از همین لحظه‌ها بود؛ مگر می‌توان دیگر به سخنان مسئولی اعتماد کرد و این حرفه در ذهن نباشد که شاید مانند ماجرای پرواز اوکراینی ممکن است، پنهان‌کاری کند؟ این سه روز توانست ضربه مهلکی بر ذهن و جان ما بزند. در این ۱۲ ساعت همه به‌گونه‌ای رفتار شده است که همه چیز با یک بیانیه و کنفرانس خبری تمام می‌شود. راستی می‌دانند که این اعتماد آسیب‌دیده اکنون ذهن و جان و روحمان را می‌خراشد.

پرواز ۷۵۲

پیام تسلیت «خانه سینما»؛ پیش از هرزمانی به همبستگی نیاز داریم

● خانه سینما در پیامی به خانواده‌های مسافران پرواز اوکران تسلیت گفت. متن این پیام به شرح زیر است:

مردم عزادار ایران، تسلیت!

خانواده‌های مسافران پرواز اوکران، تسلیت!

بیشتر از هر زمان دیگری نیاز به همبستگی و دلداری یکدیگر داریم. در این روزها که مدام ترس از فاجعه‌ای اسف‌بار بر زندگی‌ما سایه می‌افکند! ما سینماگران ایران، در غم از دست دادن عزیزان پرواز اوکراین، عزادار هستیم و عمیقاً آرزوی صبر برای بازماندگان این عزیزان از دست‌رفته داریم.

ما سینماگران توقع برخوردی با عاملان این خطای انسانی داریم که از وقوع چنین اشتباهاتی در آینده جلوگیری کند. ما سینماگران از مسئولان پاسخ‌گو و رسانه ملی توقع داریم که دست از پنهان‌کاری در انتشار به‌موقع اخبار بردارند و صداقت و شفاف‌سازی را وظیفه خود و حق ملت بدانند. ما سینماگران مؤکداً خواهان ایجاد فضایی امن برای همدردی با بازماندگان عزاداران این واقعه هستیم. ما با اندوهی عمیق این فاجعه فراموش‌نشدنی را تسلیت می‌گوییم.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۲ دی ۱۳۹۸ • ۱۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ • ۱۲ ژانویه ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۲۱ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۱۲ • اذان مغرب ۳:۱۷ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

تاوان چوتترا



تحلیل

جبران خسارات ناشی از سقوط هواپیما

مربوط به کنوانسیون ورشو (پروتکل‌های چهارگانه مونترال ۱۹۷۵) که ایران نیز به آن پیوسته است، پرداخت غرامت بر مبنای واحد پولی به نام SDR محاسبه می‌شود. SDR کوتاه‌شده عبارت انگلیسی Special Drawing Rights به معنای «حق برداشت ویژه» است که واحد پولی مصنوعی و از سوی صندوق بین‌المللی پول ایجاد شده است. این واحد پول بر ارزش وجه رایج پنج کشور برتر جهان مبتنی است که تورم و عوامل مختلف بر ارزش آن می‌افزاید. در واقع خسارات جانی که باید به بازماندگان حادثه پرداخت شود، بسیار فراتر از میزان دیه (۲/۷۰۰۰۰۰۰۰ ریال) است. به دلیل آگاهی‌نداشتن عموم از پیچیدگی‌های حقوقی، تا سال ۱۳۹۱ در تلفات جانی پروازهای داخلی، به بیشتر بازماندگان خسارتی معادل دیه پرداخت شد. در حالی که ماده واحده سال ۱۳۶۴ نحوه پرداخت غرامت جانی را در همه پروازهای داخلی و بین‌المللی بر مبنای SDR محاسبه می‌کرد. برای انبساطی بازماندگان اتباع ایرانی فوت‌شده در این حادثه، پیش از هر چیز لازم است اولیای دم با مراجعه به شورای حل اختلاف آخرین محل اقامت متوفی، گواهی حضر وراثت دریافت کنند. در مورد مرجع قضائی صالح به رسیدگی، ماده ۲۸ کنوانسیون ورشو، دادگاه محل شعبه یا نمایندگی خط هوایی که در سرزمین یکی از طرف‌های معاهده قرار دارد را صالح می‌داند. با توجه به عضویت ایران در کنوانسیون و وجود نمایندگی هوایم‌ای اوکران در پایتخت، طرح دعوی در محاکم شهر تهران منطقی به نظر می‌رسد. همچنین مراجع قضائی مستقر در کی‌یف، پایتخت اوکراین، نیز برای رسیدگی دارای صلاحیت هستند. در صورتی که بازماندگان قربانیان ایرانی در اوکران مقیم باشند و با توجه به وجود مرکز اصلی خط هوایی در آن کشور و نبود محدودیت در پرداخت‌های بانکی بین‌المللی، از این طریق دریافت خسارت سهیل‌الوصول‌تر خواهد بود. گفتنی است فرض بر تقصیر متصدیان حمل و نقل هوایی است، مگر نتوانند ثابت کنند به‌هیچ‌وجه قادر به جلوگیری از حادثه نبوده‌اند. اما در فرضی که عامل خارجی منجر به انهدام هوایما شده باشد، احکام مسئولیت متفاوت خواهد بود. در سال ۱۹۹۹ میلادی اعضای کنوانسیون ورشو در مونترال کانادا معاهده جدیدی برای رفع نواقض و روزآمدکردن کنوانسیون ورشو تهیه کردند که از جمله مزایای آن این می‌توان به یکپارچگی در مقررات، وجود ترجمه‌های متعدد و امکان طرح دعوی از سوی مسافر در محل اقامت خود اشاره کرد. امید است با الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون مونترال، حقوق اتباع ایرانی در عرصه بین‌المللی تضمین بیشتری یابد.



عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه

لاری دیاموند، پژوهشگر علوم سیاسی از دانشگاه استنفورد، در سال ۲۰۱۹ کتابی درباره بحران دموکراسی در جهان به نام «بادهای بیمار» نوشته است. او اعتقاد دارد که باید هرچه سریع‌تر دموکراسی را از دست خشم روسی، بلندپروازی چینی و نخوت آمریکایی نجات داد. دیاموند عقیده دارد که بعد از سه دهه توسعه دموکراسی لیبرالی در جهان هم‌اکنون با خطر خفگی و اضمحلال آن در کشورهای سراسر جهان روبه‌رو هستیم. این هشدار او با وجود آنچه امروزه در کشورهای مختلف جهان شاهد آن هستیم، شاید چندان غافلگیرکننده و عجیب نباشد.

اما طبق گزارش مجله پولیتیکو، در جلسه سالانه مجمع بین‌المللی روان‌شناسان اجتماعی، تابستان گذشته (۲۰۱۹) در لیسبون، مقاله تکان‌دهنده‌ای ازسوی یکی از بزرگان این رشته، شوان روزنبرگ ۶۸ ساله، مطرح شد که سالن اجتماعات صد نفره این جلسه را به اضطراب و تشنج کشاند. او که پروفیسور روان‌شناسی سیاسی دانشگاه ایروان کالیفرنیا است، پایان دموکراسی در جهان را پیش‌بینی کرد. نیمه آخر قرن بیستم، دوران طلایی دموکراسی لیبرال در دنیا بود، چون در سال ۱۹۴۵، فقط ۱۲ دموکراسی در سرتاسر دنیا وجود داشت. ولی در انتهای قرن تعداد آن به ۸۷ رسید. بعد از آن، جهان ناظر سیر نزولی و معکوس رشد دموکراسی لیبرال بود؛ به‌طوری‌که در دهه دوم قرن بیست‌ویکم تمایل به‌سوی دموکراسی به‌کلی متوقف شد. سیاستمداران راست‌گرای پوپولیست یا عوام‌گرا به‌تدریج قدرتمندتر شدند. این گرایش را در لهستان، مجارستان، فرانسه، بریتانیا، برزیل و آمریکا به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد. تعداد طرفداران راست‌گرای پوپولیست



سیدحسین موسوی‌چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

یکی از مهم‌ترین سرمایه‌ها در هر کشوری سرمایه اجتماعی است که مؤلفه‌های متعددی دارد که از جمله مهم‌ترین آنها «اعتماد اجتماعی» است. بالابودن این مؤلفه می‌تواند زمینه را برای مشارکت اجتماعی و استفاده از خطرات و مشکلاتی که ممکن است اتفاق بیفتد، بپوشاند. در واقع اعتماد اجتماعی می‌تواند مسئولیت‌پذیری مردم را در جامعه بیش‌ازپیش افزایش دهد. در یکی از تقسیم‌بندی‌های مرتبط با اعتماد این نوع اعتماد بین سازمان‌ها (دولت) و ملت را در قالب «اعتماد نهادی» یاد می‌کنند که «دلالیت دارد بر میزان مقبولیت و کارایی و اعتمادی که مردم به نهادها (رسمی دولتی) دارند. به تعبیر «دوگان»، انعکاس فقدان اعتماد به نهادها در اغلب موارد نتیجه بی‌اعتمادی به افرادی است که عهده‌دار امور آن نهادها هستند. بنابراین میزان اعتماد نهادی بر حسب نوع ارزیابی مردم از کارکنان این نهادها در قالب ادارات، ارگان‌ها و نهادهای مختلفی که در زندگی روزمره با آنها ارتباط دارند، سنجیده می‌شود. مدرسه، دانشگاه، ارتش، دادگاه، نیروی انتظامی، بانک‌ها، بازار سهام، دولت، مجلس و... نوعاً از این نوع اعتماد هستند. میزان اعتمادی که مردم به نهادهای مختلف دارند، در بین جوامع متفاوت است و در طی زمان ممکن است دست‌خوش تغییراتی شود. هر چقدر اعتماد نهادی بین دولت‌ها و ملت‌ها بیشتر باشد، مردم امنیت را در حوزه‌های مختلف بیشتر احساس خواهند کرد؛ امنیتی که می‌تواند آرامش و شادابی را در جامعه به‌وجود بیاورد. فراموش نکنیم در کنار شفافیت، پاسخ‌گویی صادقانه دولت‌ها در قبال مردم عامل دیگری است که می‌تواند به افزایش این اعتماد کمک کند. در این صورت است که

نیاز به عقلانیت و مشروعیت

نهمین کارگاه دانش‌افزایی خبرنگاران شهری با عنوان برنامه‌ریزی شهری در محل انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران برگزار شد. حجت میزایی، به‌دایت‌کننده این کارگاه، با بیان این نکته که برنامه‌ریزی، سازوکار آمادگی ما در مقابل تغییرات اجتناب‌ناپذیر است، گفت برنامه‌ریزی در شهر تهران هیچ‌گاه از پارادایم ساخت‌وساز و معماری شهری فراتر نرفته و تصور ما از برنامه‌ریزی، برنامه‌ای برای ساخت‌وساز و خدمات شهری است و برنامه‌ای برای رونق

مغز اجتماعی - ۹۹

پیش‌بینی پایان دموکراسی در جهان

گفته‌اند و نتوانسته‌اند خواسته‌های آنها را در جهت برآوردن نیازهای‌شان در برقراری عدالت اجتماعی و خواسته‌های دیگر تأمین کنند. بنابراین اکثریت افراد جامعه که از طریق اطلاعات و خبرهایی با منابع نامعلوم و اغلب تقلبی در شبکه‌های رسانه‌ای متنوع با کمک مدارهای کوتاه احساسی هیجانی مغزی خود تصمیم‌گیری می‌کنند، به‌راحتی به دام راست‌گرایان پوپولیست می‌افتند. راست‌گرایی پوپولیستی مقبول امروزی، سه خاصیت جذاب برای شهروندان ناپخته از نظر دموکراتیک دارد.

اول: تکیه بر ماهیت قومی- ملی، یعنی خود را از نظر عقاید، آداب، رسوم، ظاهر فیزیکی، طرز لباس پوشیدن و ریشه آبا و اجدادی از دیگر شهروندان جدادانستن و دیگران را بیگانه‌انگاشتن و از آن‌ها هراس داشتن یا به سبتر برخاستن.

دوم: پوپولیسم یا عوام‌گرایی، یعنی مخالف سرسخت نخبگان مانند در همه عرصه‌های اجتماعی و آنها را دشمن مردم انگاشتن و تئوری توطئه را دامن‌زدن است. سوم: مهر تأییدزدن بر خودرایی، یعنی وفاداری بدون قیدوشرط. ریشه مدرن این نوع رفتار در سايه حکومت فاشیستی را در آلمان و ایتالیا می‌توان پی گرفت. پذیرش خودرایی، یعنی وفاداری و اطاعت از قدرت مرکزی که عین اراده مشترک و اراده ملت است. البته این راه‌حل ساده سه‌گانه برای مغزهای گریزان از ساختار پیچیده زندگی دموکراتیک جمعی، مقبول و پسندیده به نظر می‌رسد و امروزه ممکن است هواخواهان موبایل‌به‌دست فراوانی داشته باشد. متأسفانه پیش‌بینی روزنبرگ، روان‌شناس اجتماعی آمریکایی، بسیار بدبینانه به نظر می‌رسد، زیرا او راه‌راه‌حلی را دیرینه‌گام و سخت عمل‌شونده می‌انگارد. ولی آیا ممکن است که این حجم عظیم از گنجایش مغز در اکثریت آدمیان روی زمین این چنین به هز برود و بی‌کار بماند یا در گرو اراده عده قلیلی از مغز آدمیان خودرایی درآید آینده پاسخ خواهد داد.

تلنگر

اعتماد بین دولت‌ها و ملت‌ها موتور محر که توسعه است

احتمال سوءاستفاده و اختلاس و انواع فساد در چنین جوامعی کمتر خواهد بود. این نکته را مدنظر داشته باشیم که دولت‌ها در همه جوامع بشری موفقیت و حتی استمرار و پایداری حکومت خود، محتاج اعتماد مردم کشورشان به خودشان هستند. مردمی که مسئولان خود را درگیر فساد ببینند یا حتی اگر این‌گونه تلقی کنند که مسئولان فقط به فکر خودشان هستند و منافع مردم‌شان برای آنها مهم نیست یا حتی در اولویت نیست، همراهی و همکاری نخواهند کرد و احتمالاً مشارکت اجتماعی‌شان کاهش پیدا می‌کند. پاسخ‌گویی دولت‌ها به مردم در قبال وظایفی که دارند، می‌تواند نشان دهد که تا چه حد امور جامعه بر وفق قوانین و مقررات انجام و پیگیری می‌شود که اگر این‌گونه باشد، می‌تواند اعتماد بین دولت‌ها و ملت‌ها و مردم را افزایش دهد. در غیر این صورت نه‌تنها احتمال مشارکت کمتر خواهد شد، بلکه حتی می‌تواند زمینه بروز اعتراض‌ها و شورش‌های اجتماعی را هم به دنبال داشته باشد که خود مخل امنیت همه‌جانبه از جمله امنیت اجتماعی مردم خواهد بود. یکی از نشانه‌های پایین‌بودن شاخص اعتماد اجتماعی بین دولت‌ها و مردم در هر جامعه این است که منبع اخبار اصلی مردم آن جامعه رسانه‌های رسمی کشورشان نباشد. چون در این صورت مردم فکر می‌کنند دولتمردان‌شان با آنها صادق نیستند و واقعیت‌ها را یا کتمان می‌کنند یا وارونه جلوه می‌دهند. در چنین شرایطی اعتماد اجتماعی مردم جامعه برای توسعه و پیشرفت به کار گرفته نخواهد شد. فکر می‌کنم در جوامعی که دولتمردان و مردم به یکدیگر اعتماد و اطمینان دارند، به‌سرعت و با قدرت تمام مسیر شکوفایی و اقتدار و توسعه را طی می‌کنند. در این گونه جوامع، در سايه اهداف مشترک مردم و دولتمردان، مشارکت واقعی برای توسعه شکل می‌گیرد.

و متذکر شد که برنامه‌ها باید مشروعیت عمومی و کارشناسی داشته باشند. او با تأکید بر اینکه ۸۰ درصد موفقیت یک برنامه به اقبال عمومی و مشارکت مردمی بستگی دارد، گفت یک برنامه خوب از مسیر گفت‌وگوی مردمی می‌گذرد. او حکمروایی نامطلوب را بزرگ‌ترین مشکل شهر تهران دانست.

در ادامه کارگاه که با مشارکت فعال خبرنگاران همراه بود، میزایی مسائلی را درباره تاجیب ارزیابی‌ها از خواست مردم، کارشناسان و صاحبان صنوف مختلف مطرح کرد.

زیر آسمان شهر

اقتصاد شهری و توسعه وجود ندارد. وی گفت برنامه‌ها عامل اتصال دانش گذشته و اتفاقات آینده هستند. برنامه‌ها تلاش می‌کنند تا عدم قطعیت‌هایی مثل سیل و زلزله را کاهش دهند. برنامه‌ریزی می‌تواند روندهای هشداردهنده مانند مهاجرت، طلاق و نظایر آن را مهار کند. حجت میزایی سپس به برنامه سوم توسعه تهران اشاره کرد و گفت در سال ۹۶ برای تدوین برنامه سوم تلاش شد تا تصویر دقیق‌تری از وضعیت تهران ترسیم شود. میزایی هفدمندی، عقلانیت و مشروعیت را از ارکان یک برنامه خوب برشمرد